

حمایت از بزه دیدگی جسمانی اطفال در حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۲)

عباس نیک پی

فارغ التحصیل رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

بزه دیدگی، یک پدیده زیستی، اجتماعی و روانی است که برای پیشگیری از آن اتخاذ تدابیر همه جانبه از سوی جامعه ضروری می نماید «پیشگیری غیر کیفری»، به ویژه در مورد اطفال که به لحاظ وضعیت خاص روحی و جسمی، علاوه بر اعمال تدابیر پیشگیرانه افتراقی، می بایست در یک اقدام گسترده، مقدم بر بزه دیدگان بزرگسال قرار گیرند. به ویژه توجه خاص به اطفال هنگامی گسترش می یابد که طفل وارد قلمرو فرآیند کیفری گردد و رفتار بزرگسال «فعال یا ترک فعل» موجب نقض حقوق آنها شود، در این صورت او صرفاً به عنوان یک طفل عادی مورد ملاحظه نبوده بلکه عنوان بزه دیده یا قربانی را با خود به دنبال خواهد داشت. بنابراین باید چاره ای اندیشید تا چنین اطفال، از چرخه معیوبی که در آن قرار دارند به سوی یک زندگی سالم و جهت دار هدایت گردند. جرایم جسمانی اطفال دو بخش که عبارتند از: ۱- مراحل جنینی و دوران اولیه رشد ۲- مراحل دیگر رشد، یعنی بالاتر از دوران جنینی و شیرخوارگی، اطفال بزه دیده ی مورد بحث در این بخش لزوماً اطفال غیر شیرخوار نیستند و چه بسا اطفال شیرخوار نیز ممکن است قربانی این گونه اعمال ارتكابی واقع شوند.

واژگان کلیدی: اطفال، بزه دیدگی، حمایت کیفری، جرایم جسمانی

مقدمه

بزه دیدگی اطفال در اغلب کشورها یکی از قلمروهای است که سیاست جنایی ناگزیر به مداخله در آن در تنظیم برنامه ی ویژه ای در قبال بزه دیدگان صغیر و نوجوانان شده است. طفل به عنوان موجودی پردازشگر به طور فعال به تغییر و پردازش اطلاعات محیط پیرامون خویش می پردازد تا به « نظم ذهنی » متناسب دست یابد. یکی از یافته های روشن « روانشناسی شناختی » آن است که این الگوهای ذهنی به سرعت شکل می گیرند، در حالی که به سختی می توان آن را تغییر داد. از همین روی، طفلی که در معرض بزه دیدگی قرار گرفته است، می آموزد که همان الگوی رفتاری را برگزیند، همچنین طفل بزه دیده خواهد آموخت که جهانی ناامن در پیش روی اوست. باید راهبردهای متناسب با سطوح اجرایی جوامع مختلف برای مقابله با چالش های عظیمی که به عدم تناسب شرایط رعایت حقوق کودکان منجر شده آغاز شود. مادامی که اطفال امروز عاملان بقای فردا، مورد حمایت کافی قرار نگیرند آینده بشریت چشم انداز مبهمی خواهد داشت و در این میان دولت ها باید سعی خود را بر احقاق حقوق اساسی و انسانی اطفال، متمرکز کنند، از آنجایی که هدف از نگارش این مقاله حمایت از بزه دیدگی جسمانی اطفال می باشد تلاش می شود که تمرکز اصلی به قربانیان جرایم جسمانی و حمایت کیفری از آنان که کودکان هستند مبتنی گردد، موارد ذیل مهمترین مصادیق بزه دیدگی اطفال می باشد و سایر موارد برای آنکه چالش و ابهاماتی نداشته اند اشاره نشده اند و این موارد به عنوان موارد اهم ذکر شده اند. جرایم جسمانی اطفال دو بخش که عبارتند از: ۱ - مراحل جنینی و دوران اولیه رشد، که جرایمی همچون: الف - قلع دندان طفل ب - ازاله نطق طفل پ - قطع زبان طفل. در برخی از جرایم مرتبط با تمامیت جسمانی اشخاص، طفولیت مجنی علیه عامل اصلی در جرم انگاری محسوب می شود و به عبارت دیگر در اینگونه جرائم، طفل بودن بزه دیده باعث گردید تا قانونگذار مقررات ویژه ای در راستای حمایت از بزه دیدگی آنها وضع نماید چرا که صدمه های وارده به تمامیت جسمانی اطفال در این گونه جرائم خصوصیتی داشته که به غیر اطفال ایراد چنین صدمه هایی ممکن نمی باشد. به طور مثال از بین بردن دندان شیری تنها در

مورد اطفال ممکن است واقع شود. ۲ - مراحل دیگر رشد، یعنی بالاتر از دوران جنینی و شیرخوارگی، اطفال بزه دیده ی مورد بحث در این بخش لزوماً اطفال غیر شیرخوار نیستند و چه بسا اطفال شیرخوار نیز ممکن است قربانی این گونه اعمال ارتكابی واقع شوند فلذا اختصاص دادن اطفال غیر شیرخوار برای موضوع این بخش از باب تغلیب بوده است. در این مرحله نیز چندین جرم را داریم که نسبت به طفل اتفاق می افتد. از جمله: الف - بهره گیری از اطفال برای تکدی ب - بهره گیری از نیروی کار اطفال پ - ترک انفاق، در مقاله مزبور به تفصیل به تجزیه و تحلیل موارد ذکر شده می پردازیم.

بخش اول: بزه دیدگی جسمانی اطفال در دوران اولیه رشد

در برخی از جرایم مرتبط با تمامیت جسمانی اشخاص، طفولیت مجنی علیه عامل اصلی در جرم انگاری محسوب می شود و به عبارت دیگر در این گونه جرایم، طفل بودن بزه دیده باعث گردیده تا قانونگذار مقررات ویژه ای در راستای حمایت از بزه دیدگی آن ها وضع نماید چرا که صدمه های وارده به تمامیت جسمانی اطفال در این گونه جرایم خصوصیتی داشته که به غیر اطفال ایراد چنین صدمه هایی ممکن نمی باشد. به طور مثال از بین بردن دندان شیری تنها در مورد اطفال ممکن است واقع شود، بدین لحاظ در این فصل طی چند مبحث موارد خاص بزه دیده جسمانی اطفال در دوران اولیه رشد را در حقوق ایران متذکر می شویم.

بند اول: قلع دندان طفل

ایراد صدمه برای دندان های طفل به لحاظ وضع خاص آنها، وضع مقررات حمایتی ویژه ای ایجاب می نماید. زیرا میزان آسیب پذیری طفل در این گونه صدمه ها برخلاف اشخاص بزرگسال در زمان کوتاهی مشخص نمی شود. از آنجایی که قلع دندان های دائمی و شیری طفل از نظر میزان صدمه های وارده و هم چنین از حیث نوع حمایت فرق می کند از این رو بر مبنای این که این نوع دندان طفل، شیری یا غیر شیری باشد حمایت ویژه ای پیش بینی گردیده است که ذیلاً طی دو قسمت جداگانه مقررات هر یک را به تفصیل بیان می نمایم.

در مورد کندن دندان شیری طفل، ماده ۶۲۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد که: « کندن دندان شیری کودک که دیگر به جای آن دندان نروید



دیه کامل آن را دارد و اگر به جای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کنده شده یک صدم می باشد. « بنابراین اگر به جای دندانی که کنده شده، دندان دیگری نروید دیه کامل آن دندانی که به عنوان دندان دائمی در آن محل قرار می گرفته باید پرداخت شود. در واقع ضمیر اشاره مذکور در عبارت « دیه کامل آن را دارد » به دندان اصلی بر می گردد که قاعده‌تاً باید در جای دندان شیری کنده شده قرار می گرفت، کما اینکه واژه « کامل » که دیه را توصیف نموده نیز بر این امر دلالت دارد. حمایت پیش بینی شده در متون معتبر فقهی در خصوص کنده شدن دندان شیری طفل با حمایت مندرج در ماده ۶۲۳ مجازات مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی متفاوت است. به اعتقاد فقهای شیعه، دیه هر دندان شیری یک شتر است اما مخالفان می گویند که بلافاصله دیه گرفته نمی شود چون غالباً چنین دندانی دوباره می روید، پس وقتی دندان کودک کنده شود دو حالت دارد: یا دوباره در می آید یا در نمی آید. اگر بقیه دندان ها در بیاید اما دندان کنده شده در نیاید دیه پرداخت می شود چون مانند آن است که دندان شخص بزرگی را از بین برده باشد. اما اگر دندان بروید باز چند حالت دارد. چنانچه داندان سالم و قوی و بدون عیب دریاید، گروهی گفته اند باید ارش پرداخت شود چون جراحت و صدمه وارد شده است و گروهی گفته اند که ارش پرداخت نمی شود. اما اگر دندان کوتاه تر از بقیه دندان ها بروید به مقدار کوتاهی آن دیه پرداخت می شود چون مانند صورتی است که مقدار مزبور شکسته شده است. اگر اندازه دندان مساوی اندازه بقیه دندان ها باشد اما به صورت شکافته شده بروید به مقدار همان شکاف دیه پرداخت می شود اما اگر رنگ آن سبز یا سیاه شده باشد ارش داده می شود چون معیوب است. هم چنین اگر در صفت بقیه دندان ها نباشد بلکه متمایل به این طرف یا آن طرف باشد باز هم ارش به آن تعلق می گیرد. اگر همراه آن دندان زاید هم در بیاید چیزی به آن تعلق نمی گیرد. « (فیض، ۱۳۹۳: ۲۷۴)

حال سوالی که در این جا مطرح می گردد این است که قبل از روشن شدن وضعیت رویش دندان شیری کنده شده طفل، خود فوت نماید وضعیت حمایتی دندان کنده شده چگونه خواهد بود؟ در این مورد ماده ۶۲۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به عنوان مستند قانونی این جرم، حکمی بیان نگرديده است. در متون



فقهی نیز برخی از فقهاء به این دلیل که از آنجایی که کندن دندان شیری طفل معلوم ولی روییدن مجدد آن به لحاظ فوت طفل مرهوم می باشد اعتقاد به پرداخت دیه دارند. (فیض، ۱۳۹۳: ۲۷۹)

بند دوم: قلع دندان دائمی

ماده ۷۸ قانون حدود و قصاص در قسمت قصاص عضو مقرر می داشت که: «اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تاخیر افتد. در صورتی که کودک دندان جدید در آورد مجرم محکوم به ارش وگرنه محکوم به قصاص است.»

بنابراین مطابق این مقررہ حمایتی در صورت روئیدن دندان دائمی جدید، برای اتلاف آن ارش تعیین گردیده و در صورتی که طفل دندان دائمی جدیدی در نیآورد جانی به قصاص محکوم می گردد. برخلاف بزه قبلی، در اینجا همانند بسیاری از بزه دیدگی های جسمانی طفل، قانونگذار وی را با بزرگسالان یکسان تلقی نموده است بدین معنی که جانی همانند کسی که بر شخص بزرگسال مرتکب این جرم شده باشد قصاص می شود.

در خصوص قلع دندان دائمی طفل ناشی از جنایت های غیرعمدی قانونگذار مستقلاً حمایت به خصوصی را پیش بینی نکرده است ولی در متون فقهی، فقها در این خصوص بیان حکم کرده اند که به اختصار بدان اشاره می گردد: اکثر فقها امامیه معتقدند که: در مورد دندان طفلی که در اثر جنایت غیر عمدی می افتد می بایستی مدتی را که ممکن است در آن مدت دندان بروید صبر نمود، اگر دندان کنده شده دوباره بروید، برای مدتی که طفل بی دندان بوده است ارش واجب است وگرنه دیه دندان بزرگسال تعلق می گیرد. البته برخی از فقهای امامیه نیز بدون اینکه قائل به تفصیل شوند فرموده اند که برای آن شتری واجب است مطلقاً «خواه بروید و یا نروید و خواه پیشین باشد یا پسین» (فیض، ۱۳۹۳: ۲۸۴)

بخش دوم: قطع زبان طفل

قانونگذار برای جلوگیری از احتمال تضییع حق طفل، در خصوص این بزه نیز مقررات حمایتی ویژه ای را درباره وی مستقلاً مورد تصریح قرار داده که ذیلاً بدان اشاره می شود: توجهاً بر این که در اعضا انسان اصل بر صحت و سلامت است حتی



اگر کارایی و سلامت عضو هنوز به منصفه ظهور نرسیده، ماده ۱۰۷ قانون دیات و ماده ۶۱۴ مجازات مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد که: «بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است.»

ظاهر ماده ۶۵۱ مجازات مصوب ۱۳۹۲ باز نشان دهنده این است که در این مورد نیز دیه کامل پرداخت می شود لیکن عدالت اقتضا می نماید که حکم ماده ۶۵۱ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ «پرداخت دیه کامل» در این مورد جاری نشود. حال سوالی که در این جا مطرح می گردد این است که اگر مقداری از زبان طفلی که هنوز به حد سخن گفتن نرسیده قطع گردد حکم آن چگونه خواهد بود؟ به نظر می رسد که این مورد از مواردی است که در قانون و شرع برای آن دیه در نظر گرفته نشده است فلذا می بایستی برای آن ارش منظور شود زیرا، نه همانند زبان لال است تا به نسبت مساحت قطع شده دیه در نظر گرفته شود و نه قدرت بر تکلم حروف پیدا کرده است تا به نسبت حروف بتوان دیه را تعیین نمود، هر چند که برخی از فقها دیه آن را برحسب مساحت مقدار قطع شده نسبت به مساحت تمامی زبان تعیین می نمایند.

حمایت دیگری که قانونگذار از اطفال در قبال قطع زبان آنها به عمل آورده موردی است که شخصی، زبان طفلی را که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی گوید «لال است» را قطع می نماید که مطابق ماده ۶۱۴ قانون مجازات به تادیبه ثلث دیه محکوم می گردد. ملاحظه می گردد که قانونگذار در این جرم نیز وضع خاص طفل را مد نظر قرار داده و حمایت قانونی مستقلی را در راستای حمایت از بزه دیدگی جسمی طفل نظر قرار داده و حمایت قانونی مستقلی را در راستای حمایت از بزه دیدگی جسمی طفل در این دوران پیش بینی کرده است. ماده ۱۰۸ قانون دیات که در ماده ۶۱۵ قانون مجازات تکرار شده در این خصوص مقرر می دارد که: «بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی گوید ثلث دیه دارد و اگر بعداً معلوم شود که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی گوید ثلث دیه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می شود.»

حمایتی که مطابق این ماده بیان گردیده «بر مبنای ظن و غلبه است زیرا

طفلی که به حد سخن گفتن برسد و سخن نگوید، گرچه احتمال دارد قدرت بر تکلم پیدا کند اما ظن غالب وجود دارد که چنین طفلی لال است هر چند علم نمی توان پیدا کرد و بر همین اساس است که راه عدول از دیه قبلی پیش بینی شده است. « حال اگر طفل پس از وقوع جرم به زبان آید و بعضی از حروف را گوید معلوم می شود که زبانش سالم بوده و آفت نداشته است، در چنین مواقعی مطابق ماده فوق الاشعار دیه کامل تعلق می گیرد.

لیکن سوالی که در مورد حمایت پیش بینی شده در ماده ۶۱۴ قانون مجازات مطرح می شود این است که هرگاه زبان طفل به کلی قطع شود، بعد از آن چگونه می توان تشخیص داد که زبان سالم بوده است ؟ در پاسخ به این سوال می توان اذعان داشت که از آنجایی که تمامی حروف به وسیله زبان تلفظ نمی گردد بلکه برخی از حروف از طریق لب یا فضای دهان ادا می شود لذا اگر طفل در آینده بتواند این حروف را تلفظ نماید معلوم می گردد که زبان وی سالم بوده است. با این حال پاسخ مزبور در دو مورد زیر مخدوش به نظر می رسد: مورد اول جایی است که معلوم نباشد طفل قادر بر تلفظ تمام حروف بوده یا فقط برای ادای برخی از حروف قدرت داشته است زیرا، در صورت اخیر دیه قطع زبان از دیه ای که پرداخت گردیده کمتر می شود و لذا مقدار اضافی می بایستی به خود جانی مسترد گردد. مورد دوم اینکه از آنجایی که امکان دارد طفل تنها قادر بر تلفظ حروف غیر مرتبط با زبان باشد لذا این دلیل نمی شود که زبان وی را سالم فرض نماییم. بنابراین پاسخگویی به سوال مطروحه و رفع ایرادهای فوق الاشعار در حیطه امور پزشکی قرار دارد و می بایستی این گونه موارد به پزشک متخصص واگذار گردد.

بخش سوم: ازاله نطق طفل

مقدمتاً یادآور می شویم که علی الاصول جانی « در غیر موارد قصاص » تنها به تادیبه جنایتی که مرتکب شده محکوم می گردد لیکن در صورتی که جنایت به وقوع پیوسته آثار متعددی در برداشته باشد با این شرط که همه این آثار مستقیماً از این جرم نشات گرفته باشند مثل موردی که شخصی با بریدن گوش دیگری موجب نقص شنوایی وی نیز بگردد، در این گونه موارد جنایت جانی دو مجازات



علیحده در پی خواهد داشت. بنابراین اگر آثار متعدد جنایت واحد مستقیماً از جنایت به وقوع پیوسته نشات نگرفته باشند تنها یک مجازات قابل اعمال خواهد بود اما به لحاظ وضعیت خاص طفل، قانونگذار مطابق ماده ۷۰۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ لال شدن طفل بر اثر از بین بردن شنوایی او را موجب محکومیت جانی به پرداخت ارش، علاوه بر دیه شنوایی قرار داده است هر چند که در مورد نطق طفل، نتیجه حاصله مستقیماً با جنایت رابطه ندارد بلکه عدم شنوایی که نتیجه جرم است تنها زمینه یادگیری تکلم را از بین برده است.

از آنجایی که تنها در مواردی که از بین بردن عضوی ملازمه با زوال منافع مرتبط داشته باشد برای هر یک از جنایات ها دیه جداگانه معین می شود و به عبارت دیگر معمولاً تداخل دیات صورت نمی گیرد. فلذا اگر مقنن لال شدن و به عبارت دیگر نیاموختن تکلم را نتیجه و اثر ارتکاب جرم زوال شنوایی می دانست برای هر یک دیه خود را مقرر می داشت در حالی که عدم نطق کامل طفل را مستوجب تادیه ارش نموده است. بدین جهت از بین بردن زمینه یادگیری نطق در حالی که به اعضاء آن صدمه ای وارد نیامده، بزه تلقی گردیده که بیانگر حمایت قانونگذار از بزه دیدگی جسمی طفل در این دوران می باشد. هر چند که بعضی از حقوقدانان معتقدند که احتمال پرداخت دیه برای تکلم در خصوص بزه مباحوث عنه منطقی تر به نظر می رسد با این استدلال که: «اولاً اصل بر این است که طفل در آینده قادر به سخن گفتن خواهد بود و لالی اطفال از موارد استثنایی محسوب می شود که به ندرت اتفاق می افتد. ثانیاً کر شدن اطفال، معمولاً منجر به لال شدن آنها نیز می گردد از این رو از آنجایی که لال شدن طفل به خاطر کر کردن او می باشد پس بهتر است که برای آن دو جنایت، دو دیه پرداخت شود هر چند قدرت بر تکلم بالفعل وجود نداشته باشد مگر اینکه گفته شود قانونگذار با فرض این که لال شدن ناشی از کر شدن است حکم به ارش نموده است زیرا تکلم هنوز به وجود نیامده تا گفته شود که از بین رفته است.» (میرمحمدصادقی،

بخش چهارم: بزه دیدگی جسمانی اطفال در مراحل دیگر رشد

بزه دیدگی جسمانی اطفال در مراحل دیگر رشد یعنی بالاتر از دوران جنینی و شیرخوارگی طی چهار قسمت که هر یک از آنها به صورت دیگر منقسم می گردند مورد بحث و بررسی قرار گرفته، با این توضیح که اطفال بزه دیده مورد بحث لزوماً اطفال غیر شیرخوار نیستند و چه بسا اطفال شیرخوار نیز ممکن است قربانی این گونه اعمال ارتكابی واقع شوند فلذا اختصاص دادن اطفال غیر شیرخوار برای این بحث از باب تغليب بوده است.

بند اول: عناصر تشکیل دهنده بزه استفاده از اطفال برای تکدی

اطفال به لحاظ صغر سن و ناتوانی از دفاع در مقابل مجرمان بزرگسال در معرض انواع مختلف سوء استفاده از قبیل، سواستفاده از قبیل، سوء استفاده برای تکدی گری، دستفروشی، استفاده از آنها در جیب بری، سرقت های مسلحانه و توزیع مواد مخدر، استفاده از اطفال برای معرکه گیری، سوء استفاده جنسی از اطفال، اجاره به خانه های مجردی، فروش آنها برای تجارت اعضای بدن قرار دارند. مقنن ما در برابر برخی از این سوء استفاده ها به لحاظ رواج و شیوع فراوان آن عکس العمل نشان داده و اطفال را به نوعی از حمایت تقنینی کیفی برخوردار کرده است. در این قسمت به بحث و بررسی مصداق شایع از این سوء استفاده ها که از ضمانت اجرای کیفری برخوردار است « بهره گیری از اطفال برای تکدی » پرداخته شده و بررسی برخی دیگر از مصادیق واجد ضمانت اجرای کیفری به تناسب بحث به قسمت های آتی واگذار گردیده است.

تکدی در لغت به معنای « حاجت خواهی از این و آن در کوی و برزن، گدایی، صدقه خواستن، دریوزگی، درویشی، سوال به کف »، « نادر و بینوا و کسی که وجه معاش خود را به رایگان از دیگران طلب می کند » آمده است؛ تکدی هم چنین با فقر، نداری، عجز، ناتوانی، از کارافتادگی، نیازمندی، غربت، بیماری و... مترادف می باشد. (قدیانی، ۱۳۹۳: ۲۶۲)

از دید حقوقی نیز هر چند قانونگذار ما به عمل تکدی و استفاده از اطفال برای تکدی وصف جزایی قائل شده ولی در مقام تعریف این عمل بر نیامده است ولی به نظر می رسد که تعریف حقوقی تکدی از تعاریف لغوی و اجتماعی آن چندان دور



نباشد هم چنانکه در پیش نویس لایحه قانون مبارزه با تکدی و ولگردی و حمایت از نیازمندان واقعی آمده است: «متکدی عبارت از حاجت خواهی از همگان در ملاء عام، با زیر پا گذاشتن شئون اجتماعی و انسانی به منظور رفع نیاز مادی است.»

قبل از ورود به مبحث اصلی بایستی یادآور شد که مطابق ماده ۷۱۲ قانون مجازات تعزیرات شرایط تحقق خود جرم تکدی عبارتند از: «۱ - داشتن قدرت جسمانی ۲ - شخص قصد انجام عمل تکدی را داشته باشد و به صورت اعتیاد و عادت در آمده باشد ۳ - از این راه امرار معاش نماید.

در رابطه با عناصر متشکله بزه موصوف نیز باید گفت که این جرم نیز همانند سایر جرایم، واحد ارکان سه گانه جرایم می باشد که به اختصار بیان می گردد.

الف - عنصر قانونی

با امعان نظر بر تاریخ حقوق ایران می توان اذعان داشت که در قوانین قبل از انقلاب، سوءاستفاده از اطفال برای تکدی تحت بزه مستقلی جرم انگاری نشده بلکه این پدیده تنها به عنوان «یکی از کیفیات مشدده برای جرم تکدی» محسوب می گردیده است.

در قوانین بعد از انقلاب نیز در متون قانونی تا سال ۱۳۷۵، مستند قانونی مبنی بر بزه تلقی شدن تکدی و هم چنین استفاده از اطفال برای تکدی به چشم نمی خورد، فلذا می توان گفت که دیدگاه مقنن ایران تا سال ۱۳۷۵ جرم زدایی از اعمال مزبور بوده است، تا اینکه به لحاظ ضرورت موضوع و شیوع فراوان آن و تلقی جدی مقنن در خصوص حمایت از حقوق اطفال بزه دیده، در سال ۱۳۷۵ مقنن طی ماده ۷۱۳ قانون مجازات تعزیرات تصریحاً مقرر داشت که: «هر کس طفل یا... را وسیله تکدی قرار دهد یا... به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.»

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در ماده ۱۵ بیان می دارد: «هر شخصی برخلاف مقررات قانون کار مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان موضوع ماده (۲) این قانون شود، علاوه بر مجازات‌های مذکور در قانون کار به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شود.»

ب- عنصر مادی

عنصر مادی ذکر شده در ماده ۷۱۳ مجازات تعزیرات را می توان تحت سه جزء ذیل برشمرد:

۱- وسیله قرار دادن غیر رشید برای تکدی « استفاده از غیر رشید برای تکدی »

۲- گماردن افرادی به تکدی.

۳- وسیله قرار دادن طفل برای تکدی « استفاده از طفل تکدی ».

در خصوص جزء سوم عنصر مادی این ماده که موضوع بحث ماست نکات ذیل حائز اهمیت است: « اگر شخصی که طفل را به این کار می گمارد خود به تکدی دست بزند قاعده تعدد جرم در موارد او اجرا می شود.

اطفال اگر برای تکدی به کار گمارده شوند علاوه بر قبچی که در عملشان وجود دارد زمینه خطرناک برای آینده آنها و تکوین شخصیتشان می شوند، اطفال از همان آغاز مراحل تکوین شخصیت در محیطی پست و تحقیرآمیز قرار می گیرند و روحیه ای پیدا می کنند که ارتکاب جرم برای آنها بسیار سهل و آسان می شود، بنابراین شایسته است قانونگذار مجازات کسانی را که اطفال را وسیله تکدی قرار می دهند به مراتب بیشتر از دیگران تشدید نماید. حکم این ماده در صورتی است که اطفال برای اعمال مزبور خریداری نشده باشند چون در این صورت مشمول مجازات های سنگین خرید و فروش انسان و برده داری خواهد بود.

عموم لفظ « هرکس » مذکور در صدر این ماده بیانگر این است که مرتکب این بزه می تواند هم افراد بیگانه باشد و هم والدین و سرپرستان قانونی اطفال، با این توضیح که چه بسا برخی از والدین معتاد و لالابالی ممکن است اطفال معصوم و بی گناه خود را به منظور تکدی در اختیار افراد دیگری قرار دهند، فلذا از این حیث حکم کلی ماده شامل آنها نیز خواهد بود.

پ- عنصر معنوی

عنصر معنوی این جرم سوءنیت عام است و سوءنیت عام هم برای تحقق این بزه، استفاده از اطفال برای تکدی است و قصد استیفا نامشروع « کسب مال از طریق اطفال » به عنوان سوءنیت خاص شرط تحقق این بزه نیست فلذا اگر به



قصد کمک به مستمندان، والدین و سرپرستان قانونی اطفال یا اشخاص بیگانه‌ای، اطفال را برای تکدی‌گری مورد استفاده قرار دهند باز هم مشمول این ماده خواهند بود.

حال اگر گفته شود که عبارت «... استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است...» مذکور در آخر این ماده قرینه این است که استیفاء نامشروع «کسب مال از طریق اطفال» به عنوان سوءنیت خاص نیز برای تحقق این جرم شرط و ضروری است، در پاسخ گفته می‌شود که به دست آوردن اموال قرینه آن نیست که جرم مزبور باید با هدف استیفاء نامشروع باشد بلکه حکم صورتی را بیان می‌کند که تحصیل مال شده است.

بند دوم: حمایت از بزه دیدگی اطفال در قبال سوءاستفاده از آنان برای

تکدی‌گری

اشتغال به تکدی توسط اطفال زیر نظر افراد مسن و با سابقه ف از اشتغالات شایع انحرافی و غیرقانونی اطفال است که صرف نظر از قباحت خود این پدیده و غیرقانونی بودن آن، آثار سوء دیگری نیز برای اطفال در پی دارد و چه بسا ممکن است «اطفال را در معرض آسیب‌های گوناگون جسمی قرار دهد که از جمله آنها بیماری‌های مختلف گوارشی است. زیرا، این دسته از اطفال برای جبران کسری در تغذیه ناقص نیاز خود را از غذاهای باقیمانده تامین می‌کنند.» فلذا با توجه به مسائل فوق‌الذکر و آثار سوء دیگر این پدیده بر روی اطفال، مقنن از کنار این مساله حاد و بغرنج با بی‌تفاوتی رد نشده و اطفال را در این خصوص از دیدگاه - بزه دیده شناختی حمایتی «خویش بهره‌مند ساخته است. در خصوص نوع حمایت در مقابل این گونه سوء استفاده‌ها بایستی گفت که به نوعی از حمایت تقنینی کیفری برخوردارند، با این توضیح که این نوع حمایت در دو برهه زمانی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب متفاوت بوده است، بدین صورت که در قوانین قبل از انقلاب به موجب مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ قانون جزای عرفی مصوب ۱۱۳۵ دیدگاه تشدید حاکم بوده، بدین معنی که «وسیله تکدی قرار دادن اطفال» از کیفیات مشدده محسوب می‌گردیده است، حال آنکه در قوانین بعد از انقلاب به موجب ماده ۷۱۳ قانون مجازات بخش تعزیرات سوءاستفاده از اطفال برای تکدی از

حمایت تقنینی کیفری مستقلی برخوردار است.

الف - حمایت در قبال مرتکبان بیگانه

در قوانین فعلی ما، اطفالی که توسط اشخاص بیگانه برای تکدی گری مورد استفاده قرار می گیرند، از دو نوع حمایت برخوردارند: ۱ - حمایت تقنینی کیفری در قالب مجازات حبس ۲ - حمایت تقنینی غیرکیفری در قالب اقدام تامینی سالب آزادی.

۱- حمایت تقنینی کیفری در قالب مجازات حبس

این نوع حمایت در ماده ۷۱۳ قانون مجازات بخش تعزیرات، پیش بینی گردیده، بدین صورت که اگر اشخاص بیگانه ای، اطفالی را وسیله تکدی قرار دهند به مجازات حبس از سه ماه تا دو سال بر حسب نظر دادگاه، و استرداد کلیه اموال حاصله از طریق تکدی محکوم خواهند شد، حال اگر این اشخاص بیگانه در کنار این فعل مجرمانه، خود نیز مستقیماً به تکدی دست بزنند قاعده « تعدد جرم » در مورد آنها اجرا خواهد گردید.

۲- حمایت تقنینی غیر کیفری در قالب اقدام تامینی سالب آزادی

این نوع حمایت نیز در ماده ۶ قانون اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ پیش بینی گردیده و اساس آن بر تفسیر و استدلال ذیل استوار است: از عبارت « در صورتی که فاعل... از راه... تکدی... امرار معاش می کرده و ارتکاب جرم ناشی از این طرز زندگی او باشد » مذکور در بند ۱ ماده ۶ قانون مزبور استنباط می شود که امرار معاش کردن از راه تکدی به دو شیوه متصور است، یکی این که، شخص مباشراً و بلاواسطه مبادرت به تکدی گری نموده و اموالی را به دست می آورد و از این راه امرار معاش می نماید و دیگری اینکه، شخص مرتکب مباشراً مبادرت به تکدی گری نمی نماید بلکه مع الواسطه اطفالی را وسیله تکدی قرار می دهد و از این طریق اموالی را به دست می آورد و از این راه امرار معاش می نماید، فلذا در هر دو شیوه فوق الذکر « تکدی گری بالمباشره، تکدی گری بالتسیب » مرتکب از راه تکدی امرار معاش می نماید و ارتکاب جرم او نیز ناشی از این طرز زندگی او می باشد.

بنابراین با امعان نظر بر تفسیر فوق الذکر می توان ادعان داشت که در صورت



جمع بودن شرایط اعمال ماده ۶ قانون موصوف در مورد مرتکب ماده ۷۱۳ قانون مجازات بخش تعزیرات وی را بتوان در « کارگاه های کشاورزی و صنعتی » در قالب اقدام تامینی سالب آزادی نگهداری نمود.

ب- حمایت در قبال والدین یا سرپرستان قانونی

ارتکاب بزه معنونه از ناحیه والدین یا سرپرستان قانونی به دو طریق ذیل امکانپذیر است، که هر شیوه ارتكابی از ضمانت اجرای به خصوصی برخوردار است:

۱ - سوء استفاده بالمباشره ۲ - سوء استفاده بالمعاونت.

۱- سوءاستفاده بالمباشره

سوءاستفاده از اطفال برای تکدی گری توسط والدین یا سرپرستان قانونی زمانی بالمباشره و بلاواسطه است که والدین یا سرپرستان قانونی به طور مستقیم و شخصاً، اطفال خویش را جهت تکدی گری مورد استفاده قرار دهند.

حمایت های که در مقابل این شیوه ارتكابی والدین یا سرپرستان قانونی از اطفال بزه دیده به عمل آمده عبارتند از: ۱ - حمایت تقنینی کیفری در قالب مجازات حبس ۲ - حمایت تقنینی غیرکیفری در قالب اقدام تامینی سالب آزادی. ۳ - حمایت تقنینی غیرکیفری در قالب اقدام تامینی سالب حق.

حمایت های نوع اول و دوم همانند حمایت های به عمل آمده در قبال ارتکاب این بزه توسط اشخاص بیگانه است که در قسمت قبلی توضیح داده شد، فلذا در اینجا تنها به بحث و بررسی حمایت نوع سوم می پردازیم.

۲- حمایت تقنینی غیر کیفری در قالب اقدام تامینی سالب حق

این نوع حمایت در قانون اصلاح مواد ۱۱۷۳ قانون مدنی و هم چنین در ماده ۱۶ قانون اقدامات تامینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ پیش بینی گردیده است، توضیح بیشتر اینکه، براساس بند ۴ از قانون اصلاح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، سوءاستفاده از اطفال در تکدی گری توسط والدین یکی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین تلقی گردیده که در صورت تحقق آن، مطابق صدر ماده موصوف، محکمه اجازه یافته تا بر مبنای تقاضای اقربای طفل یا قیم وی یا رییس حوزه قضایی، تصمیم مقتضی در خصوص طفل اتخاذ نماید که به نظر نگارنده یکی از تصمیم های متخذه توسط محکمه، می تواند سلب حضانت از والدین مرتکب باشد.

همچنین برای تقویت نظر فوق می توان به وحدت ملاک ماده ۱۶ قانون اقدامات تامینی نیز استناد نمود، با این توضیح که، سوءاستفاده از اطفال برای تکدی گری توسط والدین یا سرپرستان قانونی می تواند از مصادیق تجاوز از وظایف قیمومت یا اعمال حق ولایت که محکومیت حبس به دنبال دارد تلقی شود و یا این که والدین یا سرپرستان قانونی در نتیجه سوء استفاده از اطفال خویش برای تکدی گری وفق ماده ۷۱۳ قانون مجازات بخش تعزیرات محکومیت جزایی پیدا می کنند و در نتیجه برای انجام وظایف قیمومت و ولایت غیر صالح شناخته می شوند که در هر دو مورد فوق، دادگاه صادرکننده حکم جزایی می تواند حکم به محرومیت آنان از حق قیمومت یا اعمال حق ولایت تحت عنوان « اقدام تامینی سالب حق » نیز بدهد.

۳- سوءاستفاده بالمعاونت

شیوه ارتكابی دیگر این بزه توسط والدین یا سرپرستان بدین صورت است که والدین یا سرپرستان قانونی مستقیماً و مباشرتاً اطفال را وسیله تکدی قرار نمی دهند بلکه اطفال خویش را تحت عناوینی چون اجاره در اختیار اشخاص بیگانه قرار می دهند تا از آنها در امر تکدی گری استفاده نمایند، این نوع شیوه ارتكابی توسط والدین یا سرپرستان قانونی تحت عنوان « سوءاستفاده بالمعاونت » مطرح می گردد.

حمایت به عمل آمده از اطفال بزه دیده در خصوص این شیوه ارتكابی والدین یا سرپرستان قانونی به قاعده « ضمانت اجرای عمومی معاونت در جرایم تعزیری » موسوم است که در ماده ۷۲۶ قانون مجازات بخش تعزیرات پیش بینی گردیده است، و در خصوص سوءاستفاده بالمعاونت با عنایت به ماده ۷۱۳ قانون مجازات می توان گفت که مجازات والدین یا سرپرستان قانونی، سه ماه حبس خواهد بود. مضافاً اینکه اگر والدین یا سرپرستان قانونی از طریق همین معاونت موصوف، اموالی را به دست آورده باشند به استرداد آن اموال نیز محکوم خواهند شد. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۱۸۴)

قوانین موجود در این خصوص نیز برای کنترل این آسیب اجتماعی قابلیت لازم را دارا نبوده و در عمل جز در موارد تنبیهی به کار نمی آیند. در ایران



چارچوب قوانین موجود در این زمینه ترکیبی از فقه اسلامی، پیمان های جهانی و قوانین مدنی کشورهایی نظیر بلژیک و فرانسه است. این ترکیب ناهمگن سیستم حقوقی ایران را در قوانین مربوط به کودکان به صورت خاص دچار ناهماهنگی هایی کرده است. طی چند سال گذشته تقریباً تمام کشورهای جهان خود را رسماً متعهد به مبارزه با کار کودکان کرده اند. آنها این تعهد را با تصویب پیمان نامه سازمان ملل متحد در باره حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ متقبل شده اند. این پیمان نامه را می توان فراگیر ترین پیمان نامه بین المللی در طول تاریخ دانست. در ماده ۳۲ این پیمان نامه چنین تصریح شده است.

۱ - کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره کشی اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیان بار باشد یا خللی در تحصیل کودک وارد آورد و یا به سلامتی کودک یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا احتمالی آسیب رساند به رسمیت می شناسند.

۲- کشورهای عضو جهت تضمین اجرای ماده حاضر اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی به عمل خواهند آورد. بدین منظور و با عنایت به مفاد سایر اسناد بین المللی مربوطه کشورهای عضو به ویژه اقدامات ذیل را به عمل خواهند آورد؛

الف) تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای اشتغال به کار

ب) تدوین مقررات مناسب در ارتباط با ساعات کار و شرایط اشتغال.

پ) تعیین مجازات های مناسب یا ضمانت های اجرایی دیگر به منظور تضمین اجرای موثر ماده حاضر. جمهوری اسلامی ایران پیمان نامه جهانی حقوق کودک را با شرط تحفظ کلی در سال ۱۳۷۳ امضا کرده و تاکنون دو بار (درباره وضعیت حقوق کودک در ایران) به کمیته حقوق کودک گزارش داده است. با این وجود فقدان برنامه های بلندمدت و کاربردی در اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین ضروری و همچنین نگاه مجرمانه به پدیده تکدی گری و اعتیاد که از معضلات تبعات آن است منجر به عدم توسعه سیاست های حمایتی ملی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت و بهره کشی شده و این امر به نوبه خود به گسترش این پدیده دامن می زند.

از سال ۱۳۷۹ تاکنون بودجه های کلانی جهت اجرای طرح های مقطعی و ضربتی با متکدیان صرف شده است اما نه تنها نتیجه مطلوبی عاید مسوولان ذی ربط نشده، بلکه روز به روز دامنه فعالیت باندهای سازمان یافته و خطرناک در حاشیه این امر را گسترده تر کرده است. تمرکز بر طرح های جمع آوری و ساماندهی متکدیان به صورت برخورد های ضربتی سبب شده است تا همواره به جای علت، معلول در کانون توجه قرار گیرد و ریشه ها و همچنین ابعاد مخرب و گسترده و پیامدهای این آسیب و معضل اجتماعی پنهان و دور از نظر باقی بماند. ضعف سیستم تامین اجتماعی به خصوص در دهک های پایین درآمدی جامعه و شیوع فقر در حاشیه کلانشهر ها باعث شده است تا بسیاری از حاشیه نشینان برای تامین معاش به خیابان های شهرهای بزرگ روی آورند. بنا براین طرح های ضربتی برای جمع آوری این افراد از سطح شهر با شیوه های تهاجمی نه تنها به حل موضوع کمکی نخواهد کرد بلکه ظلم و ستم مضاعفی خواهد بود که به این افراد تحمیل می شود. در فقدان محیط حامی کودکان کار، نگاه مجرمانه به این پدیده و دستگیری بسیاری از کودکان خیابان که در مرحله بعد به کودکان بزه تبدیل می شوند موجب بازتولید و ادامه این چرخه می شود، چرا که سیاست موثری برای حمایت از این کودکان که خود قربانی خشونت و بهره کشی هستند وجود ندارد. یکی از آسیب های اجتماعی که ارتباطی انکار ناپذیر و تنگاتنگ با موضوع تکدی گری دارد شیوع اعتیاد در میان متکدیان است که کودکان کار و خیابان نیز از گزند آن در امان نیستند. باید توجه داشت که ریشه تکدی گری صرفاً در عوامل اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه عوامل فرهنگی و اجتماعی بسیاری در این امر دخیل هستند. بنا به گفته مسوولان تنها چهار درصد متکدیان نیازمند واقعی هستند و ۹۶ درصد آنان «کلاش» بوده و از این طریق امرار معاش می کنند.

بخش پنجم: بهره گیری از نیروی کار اطفال

یکی دیگر از مصادیق شایع سوء استفاده از اطفال، استثمار اقتصادی آنان می باشد. در ایران نظر به ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۵ سال و با عنایت به جرم بودن استفاده از نیروی کار اطفال کم سن و سال، آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد



تا بتوان قاطعانه گفت که چه تعداد از افراد زیر ۱۵ سال به کار اشتغال دارند، با این وجود آمار سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ حکایت از آن دارد که در این سال در حدود یک میلیون و هشتصد هزار کودک ۱۰ تا ۱۸ ساله در بخش های صنعتی، خرده فروشی، تعمیرات، حمل و نقل و صیادی جهت کمک به اقتصاد خانواده به کار اشتغال داشته اند. مضافاً اندکی بیش از ۴ درصد مشاغل کشور را گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله تشکیل می داد. البته این آمار ناقص می باشد زیرا، از یک سو اشاره ای به شاغلان زیر ۱۰ سال نداشته و از سوی دیگر، مشمول کودکان روستایی شاغل در کشتزارها، مزارع و کارگاه های قالببافی نمی شد. همچنین آمار سال ۱۳۷۵ نشان می دهد که ۲۶۴۵۵۷ نفر از کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله ایران شاغلند که از این تعداد ۱۷۰۲۸۱ نفر را پسر و ۹۴۲۷۶ را دختران تشکیل می دهند، در مناطق روستایی ۱۸۶۱۰۴ دختر و پسر زیر سن قانونی کار شاغلند و در نقاط شهری این رقم به ۷۳۲۴۰ نفر می رسد. کارشناسان آمار معتقدند که رقم واقعی به ۸۰۰۰۰۰ نفر در ایران می رسد و حتی عده ای ارقام بیشتری را عنوان کرده اند، علت اصلی تفاوت آمار به منظور نداشتن اطفال شاغل در ایلات و عشایر و مراکز غیرقانونی است که در سطح کشور از این کودکان برای انجام امور خود استفاده می نمایند و برای عدم برخورد قانونی با آنان از دادن آمار و اطلاعات دقیق خودداری می کنند. بنا به گزارش دفتر نمایندگی یونسف « صندوق کودکان سازمان ملل متحد » در ایران نیز حدود ۱/۳ درصد کودکان بین سنین ۶ تا ۱۴ سال به کار اشتغال دارند، این رقم برای مناطق شهری حدود ۲/۴ درصد و برای مناطق روستایی ۵ درصد است. هم چنین در مناطق روستایی بیش از ۱۰ درصد از دختران و ۱۷ درصد از پسران، بیش از ۷ ساعت در روز کار می کنند، در گروه های سنی ۱۰ تا ۱۴ سال تعداد دخترانی که در خانه یا برای کسب درآمد مشغول به کار هستند دو برابر پسران است، در مناطق روستایی تعداد دخترانی که از این گروه سنی درآمدی به خانه می آورند یا در خانه کار می کنند سه برابر پسران است. هر چند به واسطه نبودن اطلاعات دقیق درباره کودکان سرگرم کار در ایران، ارزیابی وضعیت و میزان وخامت آن بسیار مشکل است ولی برآورده های غیر رسمی نشان می دهند که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد اطفال زیر ۱۵

سال ایرانی کار می کنند که با توجه به رشد جمعیت و اوضاع نامطلوب اقتصادی در سال های آتی این درصد افزایش خواهد یافت. (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۲)

صرفنظر از مقوله آماری، بحث استثمار اقتصادی اطفال حول سه محور اساسی انسانی، اقتصادی و سیاسی دور می زند، ممنوع کردن کار اطفال به دلیل استثمار، وجود خطرهای، غیربهداشتی بودن محیط کار و محروم شدن اطفال از حق دستیابی به تعلیم و تربیت و مانند آن بعد انسانی این مساله است و هدف این بعد بازگرداندن اطفال به دنیای خاص خودشان و بهره مند ساختن آنان از حقوق طبیعی و انسانی خویش است. در خصوص بعد اقتصادی می توان اذعان داشت که اولاً - عده ای کرکردن اطفال را در کشورهای در حال توسعه ناشی از پدیده فقر می دانند که در عین حال به تشدید آن کمک می کند، هر طفلی که کار می کند یک بزرگسالی را از کار کردن محروم می سازد حال آنکه دستمزدی کمتر از بزرگسال دریافت می دارد. به علاوه اشتغال اطفال به جای بزرگسال در تنزل کیفی تاثیر داشته، از افزایش تولید یا عرضه خدمات به صورت کمی نیز جلوگیری می کند لذا از هر جهت به آن نگریسته شود از نظر اقتصادی زیان آور است. ثانیاً - در کشورهای کمتری به فروش می رسد و حتی نمی تواند به پای قیمت کالاهای مشابه داخلی برسد، به این ترتیب نه فقط سودآور نیست بلکه در نیروی انسانی بزرگسال و بازارهای آنان نیز تاثیر منفی می گذارد. از لحاظ سیاسی نیز گاهی این موضوع به صورت اغراق آمیز مطرح می شود، تصاویر اطفال خردسال با تعدادی آجر در دست یا اطفالی که ب زنجیر بسته شده اند ولی باید کار کنند، نه فقط عرضه می شود بلکه مردم آن را به عنوان واقعیات باور می کنند و حتی از طریق رسانه های خبری نیز به سراسر دنیا می فرستند، بی شک چنین اعمالی باید انگیزه هایی غیر از نگرانی نسبت به کار کردن اطفال داشته باشد. (محسنی، ۱۳۹۵: ۴۶)

اهمیت کمی و کیفی استثمار اقتصادی اطفال که فوقاً بدان اشاره گردید، نگارنده را بر آن داشت تا علت شناسی بزه موصوف در کنار حمایت های به عمل آمده از اطفال در قبال این نوع بزه دیدگی را طی مباحث آتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

بند اول: وجوه و اشکال مختلف کار اطفال

منظور از وجوه و اشکال مختلف کار اطفال، انجام کار به صورت مستقل یا تابع و مزدبگیر و کار در چهارچوب خانواده و خارج از آن است، توضیح بیشتر اینکه اطفال یا اغلب در داخل خانواده و با ملاحظه کار والدین و تقلید از آنان بر حرفه خانوادگی مشغول می شوند. « در کشورهای توسعه نیافته و هم چنین در ادوار گذشته » و یا در خارج « بعد از انقلاب صنعتی » و گاهی در همین کارها هم مستقل نبوده و برای شخص دیگری در برابر اجرت در مورد کارهای ثابت تر مانند کار مزد بگیر، کارآموزی « بدون قرارداد » کار به جای یک فرد بالغ غیر خویشاوند « که خود در خدمت یک کارفرماست و طفل با شخص اخیر رابطه استخدامی مستقل ندارد » نیز به چشم می خورد. گاهی نیز اطفالی که در مغازه ها یا موسسات مشابه آن کار می کنند هیچ گونه رابطه استخدامی با صاحب مغازه ندارند و اجرتی ناچیز از مشتریان دریافت می دارند.

مشاغلی که اطفال در بخش های غیر رسمی به آن اشتغال دارند و به « مشاغل خرده » معروفند متنوع است مانند: واکسن زنی، روزنامه فروشی، آدامس و سیگار فروشی، شکلات و گل فروشی، شیشه پاک کنی اتومبیل ها و نظایر آن. این مشاغل در مکان های خاصی یافت می شوند مانند چهار راه ها، ورودی بازارها، میادین، مکان های عمومی مانند ایستگاه های اتوبوس و قطار، فرودگاه ها، قبرستان ها و مکان های ورزشی، بخشی دیگر از اطفال به مشاغلی که در چهارچوب صنعت قرار دارند و خالی از خطر نیستند روی می آورند که بر حسب کشورها نیز متفاوت است. برای مثال در مصر ریال تمرکز قابل توجهی از اطفال در صنایع پوست و دباغی وجود دارد و ساعاتی نسبتاً طولانی از روز خود را در محیط های آلوده می گذارند. کارگران اطفال شاغل در بخش صنعت در قاره آسیا نیز در کارگاه های کوچک کوزه گری، نساجی، تولید اسباب بازی و... مشغول به کار هستند، در صنایع چوب که غالباً اطفال پسر شاغلند تحت تاثیر صدمه های ناشی از کاربرد مواد شیمیایی و تمام مداوم با مواد سمی موجب بروز بیماری های پوستی تنفسی و حتی عصبی می شود و حتی در موارد بحرانی تر اختلالاتی در بینایی و قوه تمیز، عفونت های خونی و بیماری در برخی از اعضا بدن ایجاد می

شود. (گودرزی، ۱۳۹۸: ۷۳)

در بسیاری از کشورها، اطفالی دیده می شوند که در معادن مختلف کار می کنند به عنوان مثال « در معادن ذغال سنگ کلمبیا، کارگران خردسال را می توان در تونل های بدون پایه در عمق ۲۸۰ متری زیر زمین مشاهده کرد، در این تونل ها تهویه ای وجود ندارد و روشنایی آنها به وسیله شمع هایی که در قوطی های خالی کنسرو قرار گرفته و در شکاف دیوارها جا داده شده اند تامین می گردد، این اطفال به مدرسه نمی روند و زندگی را صنعت قالی بافی یکی دیگر از صناعی است که اطفال به ویژه دختران زیر ۱۲ سال به صورتی گسترده در این صنعت به کار گرفته می شوند. در این کارگاه های قالیبافی خصوصی، اطفال خردسال در بدترین شرایط بهداشتی و ایمنی محیط کار در هفته بیش از ۷۲ ساعت در ازاء دریافت دستمزدهایی ناچیز کار می کنند، این خردسالان بعد از مدتی اشتغال به کار قالیبافی اغلب به بیماری هایی نظیر سل و چشم درد و تراحم مبتلا می شوند.

یکی از محققان درباره شرایط کار دختران قالیباف در روستا های ایران می نویسد: « دختران روستا در کودکی قالیبافی را یاد می گیرند، نتایج یک بررسی که از کار دختران روستایی در مناطق گرگان و گنبد به عمل آمده نشان می دهد که بین کار دختران روستایی و ترک تحصیل آنان همبستگی مثبت وجود دارد، مطالعات میدانی در استان چهارمحال و بختیاری نشان می دهد که به خاطر فقر اقتصادی، دختر بچه ها ر مجبور می کنند که ترک تحصیل کنند و به کار بپردازند، کارگاه های قالیبافی در این استان شرایط مطلوبی برای کار ندارند، کارگاه های کم نور و مرطوب قالیبافی عوارض جسمی و روحی زیادی را برای اطفال خردسال این محیط ها به همراه دارند، هم چنین دستمزد این دختران به صورت نقدی به آنها پرداخت نمی شود بلکه به صورت هدایایی چون لباس، قند، برنج و... به پدران آنها داده می شود. » (رامین راد، ۱۳۹۹: ۵۸)

کارهای خانگی یکی دیگر از فعالیت های اطفال کارگر دختر را تشکیل می دهد و این کار یکی از مشاغلی است که می تواند معضلاتی جدی در مورد سازگاری روانی و اجتماعی به دنبال داشته باشد. این اطفال کارگر نوعاً دور از خانه زندگی می کنند و ممکن است روزانه ساعت های طولانی را اغلب در انزوا و دوری

کامل از خانواده و دوستان به کار پردازند، به عنوان مثال در کلمبیا مستخدمان خانگی، اکثریت اطفال کارگر را تشکیل می دهند. (محسنی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

بخش کشاورزی نیز در بر گیرنده بسیاری از اطفال کارگر می باشد زیرا، در جوامع کشاورزی از اطفال انتظار می رود از زمانی که قادر به راه رفتن می شوند در کنار پدران و مادران و سایر اعضاء بزرگتر خانواده به کار و کوشش پردازند. به هر حال وجوه و اشکال کار اطفال متنوع است و می توان گفت که در تمام مشاغل موجود، تعدادی از این اطفال یافت می شوند ولی عمده مشاغلی که اطفال عموماً در آنها به کار گرفته می شوند و سازمان جهانی کار نیز برای اطفال آن بخش ها اشاره نموده عبارتند از: «کاربردگی و اجباری، کار کشاورزی، کار ساختمانی و کار در خیابان ها» و این وجوه و اشکال مختلف کار اطفال به عوامل مختلفی چون اهمیت بخش کشاورزی یا صنعت، درجه صنعتی شدن و نوسازی کشور، میزان تحرک و جابه جایی نیروی کار بین شهر و روستا، میزان افزایش جمعیت، عرف و عادات محل، درجه نیاز اقتصادی و... بستگی دارد. کما اینکه در کشورهای پیشرفته از لحاظ اقتصادی، اغلب اطفال در بخش کشاورزی و فعالیت های بازرگانی «به عنوان فروشنده یا توزیع کننده کالا» و در کار هتلداری و رستوران به کار می پردازند، در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته، عمده فعالیت اقتصادی اطفال علاوه بر بخش کشاورزی، بخش خدمات کوچک «مانند فروشندگی و خدمات دیگر در کنار خیابان به ویژه به اثر گسترش شهرها» و صنایع می باشد، البته لازم به توضیح است که اطفال اغلب در کارگاه و صنایع کوچکی کار می کنند که معمولاً به ثبت نرسیده و کاملاً تحت پوشش قوانین در نیامده اند.

بند دوم: حمایت تقنینی از اطفال در قبال نیروی کار

حمایت های تقنینی به عمل آمده در قبال سوءاستفاده از نیروی کار اطفال، از دو بعد ملی و فراملی قابل مطالعه اند و لذا ما نیز به تناسب بحث، این نوع حمایت را در قسمت ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

در قوانین داخلی، مقرراتی چند در خصوص شرایط کار اطفال وجود دارد که همگی در راستای حمایت از اطفال کارگر تدوین شده اند، این مقررات حمایتی را

می توان به چند دسته تقسیم کرد.

الف - محدودیت سنی

از آنجایی که کار کردن در سنین بسیار پایین، مضرات زیادی برای جسم و جان اطفال دارد، مقنن ایرانی در راستای حمایت از اطفال، جهت اشتغال آنان محدودیت سنی قائل شده است و این نوع حمایت در سیر تقنینی قوانین کار مشهود است: در تصویب نامه کار ایران به سال ۱۳۲۵، کار اطفال کمتر از ۱۲ سال را حتی به عنوان « کارآموز » ممنوع اعلام کرده بود و در قسمت اخیر ماده ۵۹ همین قانون مقرر گردیده بود که کارفرمایی که اطفال کمتر از ۱۲ سال را به کار گمارند، به مبلغ بیست هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

با وجود ضمانت اجرای مقرر در آن زمان، در عمل باز از کارگران کمتر از ۱۲ سال به ویژه در اکثر کارگاه های قالببافی استفاده می گردید فلذا برای جلوگیری از این موضوع در سال ۱۳۴۷، ماده واحده قانون تشدید مجازات به کار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال در کارگاه فرشبافی به تصویب می رسد که طبق آن هر کس اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را به هر عنوان در کارگاه های فرشبافی به کار گمارد به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال و تادیه غرامت از پنج هزار ریال تا پنج هزار ریال محکوم خواهد شد. در صورت تکرار، مجازات مرتکب سه سال حبس جنحه ای و تادیه سیصد هزار ریال غرامت می باشد. هر چند تشدید مجازات در کاهش استفاده از کارگران کمتر از ۱۲ سال در کارگاه های فرشبافی مفید بوده ولی باز به علل اقتصادی، عموماً دایر نمودن کارگاه های فرشبافی در منازل و دهات و در نتیجه عدم امکان بازرسی آنها خصوصاً مساله کار این قبیل اطفال در ایران حل نگردیده است. به موجب قانون کار کشاورزی مصوب ۱۳۵۳ نیز حداقل سن اشتغال، ۱۲ سال تعیین گردیده است، با این توضیح که ارجاع مشاغل کشاورزی به اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۲ سال تمام است در واحدهای و مزارع موضوع ماده ۱ قانون ممنوع می باشد و کارگر کشاورزی از لحاظ این قانون کسی است که در مقابل دریافت مزد یا حقوق بر مبنای قرارداد کار با کارفرمای کشاورزی یا نماینده او، در یک یا چند شغل از مشاغل کشاورزی در واحدهای کشت و صنعت و مزارع دولتی یا مزارع مکانیزه به کار اشتغال داشته



باشد. ضمانت اجرای تخلف از محدودیت سنی در قانون کار کشاورزی در ماده ۳۳ پیش بینی گردیده بود، بدین بیان که « کارفرمایی که از اجرای ماده ۱۲ این قانون تخلف نمایند به پرداخت جریمه نقدی محکوم خواهند شد.

بعد از انقلاب، به موجب قانون کار مصوب ۱۳۶۹ این نوع حمایت به طور چشمگیر به معیارهای بین المللی نزدیک گردیده است و حداقل سن شروع به کار در کارهای عادی ۱۵ سال و برای کارهایی که ماهیت آن ها برای سلامتی و اخلاق نوجوانان زیان آور است، ۱۸ سال تعیین شده است و کارفرمایان مختلفی که افراد کمتر از ۱۵ سال یا ۱۸ سال را به کار گمارند، علاوه بر رفع خلاف « اخراج کارگر کمتر از ۱۵ تا ۱۸ سال » به ازای هر کارگر محکومیت به پرداخت جریمه نقدی می گردد. البته لازم به ذکر است که مطابق ماده ۱۸۸ اخیرالتصویب، کارگران کارگاه های خانوادگی که انجام کار آنها منحصراً توسط صاحب کار، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می شود، مشمول مقررات قانون کار نبوده و در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی شود و به عبارت دیگر از آنجایی که اشتغال اطفال در مجموعه کارگاه های خانوادگی با منع قانونی مواجه نیست لذا استثمار اطفال از ناحیه والدین آزاد اعلام گردیده است که امیدوارم این نقیصه در اصلاحات بعدی این قانون جبران گردد.

ب- محدودیت ساعات کاری

نوع دیگر حمایت تقنینی در قالب « محدودیت ساعات کاری » برای اطفال پیش بینی گردیده است. با این توضیح که به موجب ماده ۵۱ قانون کار حاضر « ساعات کار کارگران بزرگسال در شبانه روز نباید از ۸ ساعت تجاوز نماید البته کارفرما با توافق کارگران یا نمایندگان قانونی آنها می تواند ساعات کار را در بعضی از روزهای هفته کمتر از میزان مقرر و در دیگر روزهای اضافه بر این میزان تعیین نماید به شرط آن که مجموع ساعات کار در هر هفته از ۲۴ ساعت تجاوز ننماید. «، قانونگذار به کارگران اطفال با دید حمایتی نگرینسته و ساعات کار آنها را نیم ساعت کمتر از ساعت کار کارگران بزرگسال تعیین نموده است. (گودرزی، ۱۳۹۸:

ناقضان این نوع حمایت نیز مطابق ماده ۱۷۴ قانون کار، برای هر مورد نقض و تخلف، علاوه بر رفع تخلف در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین می کند به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل به پرداخت جریمه محکوم می گردد. اگرچه ساعات کار کمتر برای این گروه سنی، حمایت به حساب می آید و جزء مزایای قانونی آنها محسوب می شود ولی ممکن است این سوال پیش آید که کارگر نوجوانی که در واحد تولیدی مشغول به کار است اگر کار وی در ارتباط با دیگران نباشد و به عنوان جزیی از رشته کارهای دیگر کارگران محسوب نشود، استفاده از این مزیت بلااشکال خواهد بود ولی در صورتی که با دست از کار کشیدن زود هنگام وی در حلقه های تولید، حلقه مفقوده ای ایجاد شود و به تولید اخلاص وارد شود در اینجا چه باید کرد؟

در جواب این سوال باید گفت که مقنن از این نکته غافل نبوده و در ذیل ماده ۸۲ به راه حل این مساله نیز اشاره کرده است زیرا، در ذیل ماده آمده است: «... ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.» فلذا با دست کشیدن کارگر نوجوان از کار، کار مختل شود باید به یکی از این دو نحو عمل شود:

۱ - توافق نمایند که کارگر نوجوان به مقدار کارگران بزرگسال کار کند و از مزیت موجود به عنوان اضافه کاری استفاده و مزد بیشتری بگیرد. ۲ - کارگر و کارفرما توافق نمایند که نیم ساعت مذکور در هر روز استفاده نشود بلکه هر وقت که مجموع این ساعات به روز رسید، کارگر نوجوان آن روز تعطیل باشد مثلاً هر ۱۸ روز، یک بار از این تعطیلی استفاده کند. (جابری، ۱۳۹۲: ۱۹۸)

به نظر می رسد که با در نظر گرفتن مقصود قانونگذار به حمایت از جسم و روح کارگر، نیم ساعت تعطیلی مذکور جنبه حداقل دارد و نمی توان به کمتر از آن توافق کرد به ویژه که انجام کار بیش از آن «رعایت نکردن آن نیم ساعت تعطیلی در روز» ارجاع کار اضافی تلقی شده و با ماده ۸۳ قانون کار مغایرت دارد، بنابراین راه حل اول صحیح به نظر می رسد.

پ- ممنوعیت ارجاع کار اضافه و شبانه

مقنن در تکمیل حمایت های خود از جسم و جان کارگران اطفال که طاقت و

توان کمتری نسبت به بزرگسالان دارند، ارجاع کار اضافی به آن‌ها را نیز ممنوع می‌سازد تا نیم ساعت تخفیف مذکور در ماده ۸۲ رعایت گردد. ماده ۸۳ قانون کار فعلی مقرر می‌دارد: «ارجاع هر نوع کار اضافی... برای کارگر نوجوان ممنوع می‌باشد.» علت ممنوعیت کار شبانه برای اطفال از دو جنبه اجتماعی و خانوادگی و بهداشتی می‌تواند باشد با این توضیح که عرف و عادت جامعه ما و بلکه اغلب جوامع و شاید تمام آنها متفق القولند که اطفال در سنی هستند که بایستی بیشتر در کانون گرم خانواده حضور داشته تا از لحاظ اخلاقی در جهت صحیح تربیت و هدایت شوند فلذا اگر در ساعات شب که تمام اعضای خانواده دور هم جمع هستند، کارگران اطفال غایب باشند طبیعتاً نگرانی‌هایی برای خانواده و خطرهایی برای خود آنان در پی خواهد داشت زیرا، محیط شبانه، محیطی خلوت و ترسناک است و حضور اطفال که شاید هنوز در بسیاری از مسایل اجتماعی و روابط فردی به اندازه کافی آگاهی نداشته، در جمع بزرگسالان ممکن است عواقب ناخوشایند اخلاقی داشته باشد. از لحاظ جسمانی نیز چون ساعات شب توأم با جواب آلودگی و وقت کمتری است، حضور اطفال کم تجربه در پشت دستگاه‌های مخوف خالی از خطر نیست، از جهت روحی نیز اطفالی که به دلیل اجبار و نیاز مادی به جای استراحت شبانه در محیط خانواده در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها مشغول است، مشکلاتی از جهت عاطفی و روانی خواهد داشت. (معتمدی، ۱۳۹۷: ۲۰۵)

قانون کار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۸۳، انجام کار در شب را برای کارگر نوجوان ممنوع ساخته است و خوشبختانه ماده ۵۲ با تعریف کار شبانه جلوی سوءاستفاده از قانون را گرفته است که «کار شب، کارهایی است که زمان انجام آن بین ساعات ۲۲ تا ۶ بامداد قرار دارد.» در صورتی که کارفرمایان این نوع حمایت «ممنوعیت ارجاع کار شبانه و کار اضافی به اطفال» را نقض و نادیده بگیرند، مقنن ضمانت اجرایی را در ماده ۱۷۶ پیش بینی کرده است که در قسمت قبلی بدان اشاره گردید.

در خصوص کار در شب آنچه در قانون کار پیش بینی نشده، مشاغلی است که طبیعت آنها اقتضای کار در شب را دارد از قبیل کار در هتل‌ها، فیلمبرداری، نمایش و... که با منع ارجاع کار شب به کارگران نوجوان، امکان استفاده از استعداد

آنان در برخی از رشته ها از بین خواهد رفت، فلذا برای رفع این نقیصه پیشنهاد می گردد که ماده ای بدین شرح به قانون کار اضافه گردد: « در صورتی که وضعیت کارآموزی با نوع حرفه ای که کارگر نوجوان مشغول فراگیری آن است و یا مشاغلی چون فیلمبرداری و نمایش و رادیو و تلویزیون، کار در شب را برای نوجوان ایجاب کند، می توان با کسب موافقت قبلی وزارت کار و امور اجتماعی، اجازه کار در شب را داد به شرط آنکه به سلامت جسم یا ادامه تحصیل نوجوان، لطمه وارد نیاید و حداقل ۱۴ ساعت متوالی نیز استراحت داشته باشد. »

ت- ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک

قانونگذار ایران برای حمایت اطفال و حفظ سلامت و بهداشت آنان، انجام برخی کارها را بر ایشان ممنوع ساخته است از جمله این امور، کارهای سخت و زیان آور و خطرناک است. مطابق ماده ۲۰ قانون کار مصوب ۱۳۳۷، ارجاع کارهای سخت و زیان آور به کارگران کمتر از ۱۸ سال ممنوع اعلام گردیده بود، بعد از انقلاب نیز ماده ۸۳ قانون کار ۱۳۶۹ جایگزین ماده ۲۰ گردید، با این بیان که « ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک... برای کارگر نوجوان ممنوع است ». به نظر می رسد مقنن با آوردن واژه « خطرناک » در متن ماده اخیرالذکر، ابهام ایجاد کرده است زیرا، معلوم نیست علاوه بر کارهای سخت و زیان آور، هر نوع کار دیگری هم که برای کارگر نوجوان خطرناک باشد نباید به او ارجاع شود یا این که واژه خطرناک مفهوم جداگانه ای از عبارت « سخت و زیان آور » نداشته و مکمل آن است و قانونگذار با بی دقتی این واژه ها را در ماده ۸۳ به کار برده است.

به نظر می رسد که فرض اول صحیح باشد چون قانو کار جنبه حمایتی دارد و سعی دارد جسم و جان اطفال کارگر را از خطرهای دور نگهدارد ولی مشکل این است که وصف « خطرناک » بیانی مبهم است و از یک جهت در هر نوع کاری برای اطفال، خطری نهفته است، مشکل دیگر نامعلوم بودن مرجع تشخیص خطرناک بودن یا نبودن کار است.

کارهای سخت و زیان آور طبق تعریف آیین نامه کارهای سخت و زیان آور مصوب ۱۳۳۹ شورای عالی حفاظت فنی عبارت است از: « اول - کار در معادن اعم از تحت الارضی یا سطح الارضی که ایجاب می نماید کارگران در تونل ها و

راهروهای سرپوشیده به استخراج بپردازند. کار استخراج شامل جدا کردن یا منفجر ساختن مواد از سطح کار، حمل مواد، عملیات مربوط به انفجار، اداره تاسیسات آب و برق در داخل معدن و به طور کلی هرگونه مباشرت و نظارتی که ایجاب می نماید کارگر در داخل تونل ها، راهروها یا میله های معدن انجام وظیفه نماید. دوم - کار در مجاورت کوره های ذوب و پخت به نحوی که کارگر در معرض مستقیم حرارت و یا آبخره متصاعد از کوره باشد. تخلیه و حمل مواد از کوره های مشغول به کار. سوم - خرد کردن، آسیاب کردن، جدا کردن، دست زدن، پر کردن، خالی کردن، مخلوط کردن، پاک کردن، پاشیدن، در معرض تماس قرار گرفتن، تراشیدن و به کار بردن موادی که خود یا حالت های مختلف آن از طریق تنفس و تماس با بدن یا جذب از راه پوست باعث مسمومیت، بیماری ریوی، جلدی، سوختگی، یا سایر جراحات و بیماری گردد. . . .»

در خصوص مشاغل کشاورزی نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور به کارگرانی که کمتر از ۱۴ سال دارند ممنوع اعلام گردیده که به موجب آیین نامه مورخ ۱۳۵۹ شورای عالی کشاورزی کارهای سخت و زیان آور مشاغل کشاورزی عبارتند از: « ۱ - کار در قنات و لایروبی چاه ها ۲ - کار در سمپاشی باغات و اشجار و ضدعفونی اماکن و طویله ها و آشیانه های مرغداری » سرانجام اینکه ضمانت اجرای تخلف از این نوع حمایت « ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و . . . » باز در ماده ۱۷۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ پیش بینی گردیده که قبلاً به تفصیل بیان گردید.

ح- ممنوعیت حمل بار، بدون استفاده از وسایل مکانیکی

مقنن در ادامه حمایت های خود از اطفال کارگر، در قسمت اخیر ماده ۸۳ اشعار داشته: « حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است. » منظور از حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی عبارت است از: « بلند کردن، پایین نهادن، حمل و جابه جایی اشیا و بار از نقطه ای به نقطه دیگر یک نفر و به وسیله دست و بدون به کارگیری هرگونه ابزار و وسایل مکانیکی. » (حسینی، ۱۳۹۷: ۶۴)

البته لازم به ذکر است که واژه « دست » مذکور در ماده ۸۳ و آیین نامه آن،

جنبه طریقت دارد نه موضوعیت یعنی منظور از دست، تماس بدنی می باشد فلذا اگر بار غیر مجاز را کارگر نوجوان در پشت یا در دوش خود نیز حمل نماید ممنوع است.

بااستنباط از قسمت اخیر ماده ۸۳، می توان اذعان داشت که بارها به چند دسته ذیل تقسیم می شوند: ۱ - بارهای با وزن یا حجم کمتر از حد مجاز « بارهای متعارف »: منظور باری است که با توجه به شکل، اندازه، ابعاد، نوع و درجه حرارت آن، کارگری که دارای شرایط جسمانی مناسب است می تواند آن را به راحتی حمل نماید. ۲ - بارهای بیش از حد مجاز: منظور باری است که با توجه به شکل، اندازه، ابعاد، نوع و درجه حرارت آن کارگری که دارای شرایط جسمانی مناسب است، نتواند آن را به راحتی حمل نماید. که با امعان نظر بر حد مجاز مذکور در مواد ۴ و ۵ آیین نامه مربوط به حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن و نوجوان مصوب ۱۳۶۹ شورای عالی کار، می توان بارها بیش از ۲۰ کیلوگرم یا ۱۰ کیلوگرم برحسب جنسیت اطفال کارگر را بارهای بیش از حد مجاز تلقی نمود. ۳ - بارهایی که با وسایل مکانیکی حمل می شوند: منظور بارهایی هستند که با توجه به شکل، اندازه، ابعاد، نوع و درجه حرارت آنها، با دست کارگران دارای شرایط جسمانی مناسب به راحتی قابل حمل نبوده و برای حمل آنها، استفاده از وسایل مکانیکی ضروری باشد. ۴ - بارهایی که بدون وسایل مکانیکی حمل می شوند: منظور بارهایی هستند که با توجه به شکل، اندازه، ابعاد، نوع و درجه حرارت آنها، به راحتی با دست کارگران در این شرایط جسمانی مناسب و بدون استفاده از وسایل مکانیکی قابل حمل می باشند.

حمل بارهای دسته اول « بارهای کمتر از حد مجاز » توسط کارگران نوجوان مانعی ندارد، دسته دوم « بارهای بیش از حد مجاز » از آنجایی که ممکن است به جسم اطفال لطمه وارد نماید ممنوع است، بارهای غیرمجازی که بدون وسایل مکانیکی حمل می شوند، برای کارگران نوجوانان نیز بدو نتردید ممنوع است اما در خصوص این قبیل بارها که با استفاده از وسایل مکانیکی حمل می شوند بایستی قائل به تفصیل شد بدین صورت که اگر وسایل مکانیکی به نحوی باشند که سنگینی بار به طور کلی یا جزیی بر بدن کارگر نوجوان منتقل شود « مثلاً وسیله



ای باشد که یک یا دو چرخ داشته باشد. « در این صورت ممنوع خواهد بود، لیکن اگر وسیله مکانیکی طوری باشد که کل وزن بار غیر مجاز را تحمل نماید ممنوعیتی نخواهد داشت. (مهریزی، ۱۳۹۷: ۱۸۲)

تخلف از موارد ممنوع فوق الذکر، ضمانت اجرای جریمه نقدی و حبس مذکور در ماده ۱۷۶ قانونگذار مصوب ۱۳۶۹ را در پی خواهد داشت.

خ- ممنوعیت ارجاع کارهای مضر به سلامت و اخلاق

برای انجام برخی از کارها، علاوه بر رشد و بلوغ جسمانی، رشد و بلوغ عقلانی هم لازم است لذا در رابطه با این گونه کارها، قانونگذار حداقل سن شروع کار را، داشتن ۱۸ سال تمام قرار داده و مقرر دادشته است: « در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود، تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است. « لازم به یادآوری است که این حداقل سن در شرایطی است که این کارها به جهت کمی سن کارگر زیان آور است و گرنه اگر طبیعت مشاغل مذکور چنان باشد که حتی سلامت و اخلاق کارگران بزرگسال را نیز به خطر بیاندازد، قطعاً انجام آنها مجاز نخواهد بود. مطابق ماده فوق الذکر کارهایی که به سلامت و اخلاق کارگر نوجوان زیان آورند به دو دسته ذیل تقسیم می شوند:

۱ - کارهایی که ماهیتاً مضرند: شاید بتوان به برخی از کارهای بهداشتی و درمانی که مستلزم سن بلاست اشاره کرد.

۲ - کارهایی که به لحاظ شرایط عارضی حاکم بر آنها زیان آور تلقی می شوند: مثل پذیرایی در قهوه خانه ها و انجام کار در حمام های عمومی و گاراژها و برخی از محیط های خلوت و سربسته که از لحاظ فرهنگی در سطح پایین هستند.

از یک جهت دیگر در خصوص اطفال، مشاغل به دو گروه تقسیم می شوند: گروه اول - کارهایی هستند که به سلامت جسمانی اطفال زیان می رسانند. گروه دوم - مشاغلی هستند که تنها به اخلاق اطفال کارگر خطر ساز هستند.

تشخیص گروه اول چندان سخت نیست زیرا، خود قانونگذار نیز هم چنانکه قبلاً بدان ها اشاره گردید، مواردی را مثال زده است که به وضعیت جسمانی کارگر



نوجوان آسیب می‌رساند و آنها را ممنوع اعلام کرده مثل کار در شب و انجام کارهای اضافی، سخت و زیان‌آور و خطرناک و حمل بار با دست و... ولی مشکل عمده در تشخیص کارهایی است که اخلاق نوجوان آسیب می‌رساند لیکن بزرگسالان از آن مصونند، به عبارت دیگر تمیز کاری که به اخلاق کارگر ۱۸ ساله ضرر دارد ولی برای افراد ۱۹ ساله به بالا خطری ندارد آسان نیست. به هر حال قانون مرجع تشخیص کارهای مضر به سلامتی و اخلاق را وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرده است. (نوری، ۱۳۹۷: ۲۱۸)

در خصوص ضمانت اجرای به عمل آمده در قبال این نوع بزه دیدگی «به کارگیری کارگران کمتر از ۱۸ سال در مشاغل مباحوث عنه» نیز بایستی اذعان کرد که همانند سایر مصادیق بزه دیدگی اقتصادی اطفال، مجرمان اقتصادی «کارفرمایان و تضییع‌کنندگان حقوق کارگران نوجوان» به جزای نقدی و حبس مقرر در ماده ۱۷۶ قانون کار لازم الاجرا محکوم می‌گردند.

بخش ششم: ترک انفاق طفل

انفاق طفل عبارتست از «صرف هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه و جامه به قدر رفع حاجت و توانایی انفاق کننده» (جعفری لنگرودی ۱۳۹۰: ۲۱۱) به نظر نگارنده طفل در اصطلاح حقوقی شامل چیزهایی است که طفل برای زندگی به آن احتیاج دارد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و اثاثیه داخل آن.

برای این که بدانیم جرم ترک انفاق طفل چه زمانی به وقوع پیوسته است بایستی بدانیم که نفقه طفل شامل چه مواردی می‌گردد که عدم ایفای آن موارد از جانب منفقان باعث ارتکاب چنین جرمی می‌گردد. با امعان نظر بر قانون حمایت خانواده، قانون مدنی و کنوانسیون حقوق کودک می‌توان اذعان داشت که نفقه طفل عبارتست از مسکن، البسه، غذا اثاث البیت به قدر رفع حاجت و با در نظر گرفتن میزان استطاعت مالی منفق. نکته قابل توجه این است که در حقوق ایران در خصوص انفاق طفل، وضعیت اجتماعی طفل مطمع نظر قانونگذار نبوده و تنها رفع حاجت وی مورد توجه بوده است، از این رو صراحتاً هزینه‌های مربوط به تعلیم و تربیت و در مان طفل که به نظر می‌رسد برای حمایت از طفل از اهمیت شایانی برخوردار می‌باشد پیش بینی نشده است. هم چنین تجدیدنظر در نفقه

پرداختی با توجه به بالا رفتن هزینه زندگی و سقوط ارزش پول در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی به سکوت برگزار شده است. سوالی که در اینجا مطرح می گردد این است که آیا بعد از رسیدن طفل به سن بلوغ، تکلیف انفاق وی از ذمه منفقان ساقط می گردد یا خیر؟ و طفل متولد از زنا نیز واجب النفقه محسوب می گردد یا خیر؟ در حقوق فرانسه نفقه طفل تا سن ۱۸ سالگی بر عهده والدین وی گذاشته شده است، حال آنکه در حقوق ایران نفقه طفل ممکن است بعد از سن کبر وی نیز در صورت واجب النفقه تلقی شدن وی کماکان برعهده منفقان باشد. « و به عبارت دیگر در حقوق ایران « طفل واجب النفقه ممکن است صغیر یا کبیر، سالم یا ناقص الخلقه، عاقل و یا مجنون باشد و صغیر یا ناقص الخلقه یا مجنون بودن در قول مشهور فقهای امامیه و قانون مدنی شرط استحقاق نفقه نیست و طفل در صورت فقر و عجز از کسب و کار در هر وصفی که باشد واجب النفقه محسوب می شود. » در خصوص قسمت دوم سوال مطروحه نیز با عنایت بر نظریه مشورتی شماره ۱۳۷۳/۶/۷-۷/۳۸۴۷ اداره حقوقی قوه قضاییه و وحدت ملاک رای وحدت رویه شماره ۱۳۷۶/۴/۳-۶۱۷ هیات عمومی دیوانعالی کشور می توان گفت که طفل متولد از زنا نیز واجب النفقه محسوب می گردد. (مجیدی، ۱۳۹۵: ۷۱)

به موجب قسمت اول ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، به طور کلی ابتدا نفقه طفل بر عهده پدر وی است و او موظف است وسایل زندگانی و مخارج لازم طفل خود را تهیه و در اختیارش قرار دهد « البته در صورتی که خود طفل اموال شخصی داشته باشد نفقه وی به وسیله پدر یا قیم یا وصی او از اموال مزبور پرداخت می شود. » ولی چنانچه پدر فوت شده باشد و یا این که استطاعت مالی نداشته باشد « که در این صورت تکلیف نفقه طفل از وی ساقط می شود. » تکلیف انفاق طفل به عهده اجداد پدری وی است « با رعایت الاقرب فالاقرب » یعنی چنانچه پدر پدربزرگ طفل زنده نباشد و یا تمکن مالی نداشته باشد تکلیف انفاق طفل به عهده پدربزرگ و همین طور الی آخر خواهد بود « قسمت دوم ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی « حال چنانچه هیچ یک از اجداد پدری طفل زنده نباشد و یا تمکن مالی نداشته باشند نفقه طفل بر عهده مادر طفل می باشد که موظف است از مال خود طفل، نفقه وی را تادیه نماید، بنابراین چنانچه اجداد پدری طفل زنده باشند و



تمکن مالی داشته باشند چنین تکلیفی بر عهده مادر طفل نمی باشد. هرگاه مادر هم زنده نباشد و یا قادر به انفاق نباشد نفقه طفل به عهده مادربزرگ پدری وی و اجدات و جدات مادری وی می باشد و چنانچه چند تن که از حیث درجه اقریبیت مساوی بوده وجود داشته باشند نفقه طفل را به سهم مساوی بین خود تقسیم و هر یک موظف به تادیه سهم خود می باشد. (قسمت اخیر ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی)

بند اول: سیر تاریخی جرم انگاری در خصوص انفاق طفل

بررسی تاریخیچه جرم ترک انفاق طفل در حقوق جزای ایران به قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ بر می گردد. ماده ۲۲ قانون فوق الذکر در رابطه با جرم ترک انفاق طفل و حمایت از وی در قبال این جرم چنین مقرر داشت: «هرکس با داشتن استطاعت... از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید به حبس محکوم خواهد شد. تعقیب کیفری منوط به شکایت شلکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف خواهد شد.» با امعان نظر بر اینکه این مقرر حمایتی کلی بوده و هرگونه ترک انفاق را درباره کلیه اشخاص واجب النفقه قابل مجازات دانسته است بنابراین آن را می توان اولین مصوبه تقنینی در ایران دانست که به موجب آن از طفل در برابر ترک انفاق حمایت کیفری به عمل آمده است. بعد از انقلاب اسلامی با تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۶۲، ماده ۱۰۵ این قانون به حمایت از طفل در برابر این جرم اختصاص یافت و چنین اشعار داشت: «هرکس با داشتن استطاعت مالی... از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید، دادگاه می تواند او را به شلاق محکوم نماید.» سرانجام با تصویب قانون مجازات تعزیرات در سال ۱۳۷۵ به موجب ماده ۶۴۲ آن، این حمایت از شلاق به حبس تغییر یافت.

از مقایسه مقررهای حمایتی فوق الاشعار در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ملاحظه می شود که قانونگذار قبل از انقلاب از طفل حمایت بیشتری به عمل آورده بوده و مجازات حبس را نسبت به مجرم تارک انفاق طفل در نظر گرفته بود. بعد از انقلاب این مجازات ابتدا به شلاق و سپس به حبس تبدیل شده است. از آنجا که ارتکاب چنین جرمی بی اعتنائی مرتکب به طفل بوده و با توجه به



احترامی که طفل می بایستی در جامعه داشته باشد و فقدان قدرت دفاعی این قشر، قرار دادن مجازات سنگین تر شاید بتواند در جلوگیری از وسعت یافتن این جرم موثر باشد. هر چند این واقعیت نیز غیرقابل انکار است که وجود عاملی من جمله بینش و نگرش سطحی جامعه نسبت به تارک انفاق از طرفی و امید به فرار از مجازات از طرف دیگر می تواند در گسترش جرم ترک انفاق موثر باشد زیرا، « هرگاه جامعه و افراد آن قادر به درک شناخت چنین ترک فعلی گردیده و از طرف دیگر هرگاه از طریق در پیش گرفتن سیستم دادرسی صحیح و سریع، امکان فرار از مجرم سلب شود تمایل افراد به ارتکاب این ترک فعل مجرمانه تا حدود زیادی سرکوب خواهد گردید. »

بند دوم: ارکان متشکله جرم ترک انفاق طفل

جرم ترک انفاق طفل نیز همانند سایر جرایم خاص علیه اطفال، دارای عناصر قانونی و مادی و معنوی بوده و طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای آن در قوانین مصوبه مجازات تعیین گردیده و مقنن چنین ترک فعلی را جرم شناخته است. اینک به بررسی اجمالی ارکان متشکله این جرم می پردازیم:

الف - رکن قانونی

هم چنانکه در سیر تاریخی جرم انگاری این بزه بررسی گردید، تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ به علت عدم وجود ماده قانونی در زمینه ترک انفاق طفل، چنین جرمی موضوعیت نداشت، فلذا پس از تصویب این قانون ماده ۲۲ آن، اصل قانونی بودن این جرم را تأمین کرد. بعد از انقلاب نیز ابتدا ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و به دنبال آن در حال حاضر ماده ۶۴۲ قانون مجازات تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رکن قانونی جرم ترک انفاق و حمایت از طفل در برابر این ترک فعل را مورد توجه قرار داده است.

ب - رکن مادی

رکن مادی برخی از جرایم خاص علیه اطفال « مثل عدم اطلاع واقعه ولادت طفل، عدم اخذ شناسنامه، بازداشتن طفل از آموزش و تحصیل و... » ترک فعل می باشد بدین معنی که « قانونگذار از جهت حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق اطفال، وظیفه و تکلیفی برای افراد در قبال اطفال مقرر کرده است و در صورتی که



اشخاص از انجام آن وظایف و تکالیف خودداری نمایند برای آنها مجازات تعیین نموده است. « در مورد جرم ترک انفاق طفل نیز هم چنانکه از عنوان آن مشخص است عنصر مادی آن، ترک فعل است در برابر تکلیف و وظیفه ای که مقنن و شارع برای فرد در نظر گرفته است. قانونگذار ایران جهت رفع ضرورت های زندگی طفل، وجوب نفقه وی را به ترتیب بر عهده پدر، جد پدری، مادر و جد و جده مادری و جده پدری « به نحو مذکور در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی » قرار داده است بدین معنی که این اشخاص را به نحو ترتب و به شرط داشتن استطاعت مالی ملزم به انفاق طفل کرده است. با تصویب ماده ۶۴۲ تعزیرات که جانشین ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ گردیده عدم انجام این وظیفه قانونی جرم شناخته شده و به صراحت امتناع منفقان فوق الاشعار را از پرداخت نفقه طفل جرم دانسته است. بنابراین این عنصر مادی جرم ترک انفاق طفل عبارت است از امتناع و استنکاف منفقان موصوف از پرداخت نفقه طفل در صورت قدرت آنها بر انفاق. (زراعت، ۱۳۹۴: ۴۲۹)

پ- رکن روانی

در خصوص رکن روانی جرم ترک انفاق طفل نیز می بایستی اذعان داشت که از آنجایی که رکن مادی این جرم، ترک فعل می باشد فلذا این ترک فعل می بایستی به صورت ارادی ارتکاب یافته باشد و به عبارت دیگر صرف عمل مادی ترک انفاق طفل جرم تلقی نمی شود بلکه تقصیر تارک انفاق در پرداخت نفقه طفل را نیز باید احراز نمود. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۳۷۲) مضافاً اینکه منفق در عدم تادیه نفقه طفل نیز می بایستی دارای قصد مجرمانه بوده باشد بدین معنی که قصد وی از نپرداختن نفقه طفل، محروم نمودن طفل از حق قانونی و شرعی اش باشد. بنابراین برای تحقق عنصر معنوی این جرم، تنها سوءنیت عام و آگاهی از مجرمانه بودن عمل کافی است و نیازی به احراز سوءنیت خاص در منفق نیست. البته هم چنانکه قبلاً مذکور افتاد برای تحقق جرم ترک انفاق طفل علاوه بر عناصر مشترک سه گانه فوق الاشعار، عناصر اختصاصی دوگانه ذیل نیز ضروری است: عنصر اول - ملزم به انفاق می بایستی از استطاعت مالی برخوردار بوده و معسر از پرداخته نفقه نباشد. عنصر دوم - منفق علیه « طفل » نیز فقیر بوده و نتواند به

وسيله اشتغال به شغلی وسايل معشيت خود را فراهم نمايد. (نقيب زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

نتيجه گيري

حقوق ايران که به صورت مدون از سال ۱۳۰۴ با تدوين قانون مجازات عمومي، شکلي نسبتاً جامع به خود گرفت، از همان ابتدا به قشر اطفال به عنوان بزهديدگان بالقوه ای که توجه اکثر بزهکاران و متجاوزان به حقوق اشخاص را جلب می نمايد، عنايت داشته است. از آنجايی که هدف از نگارش اين مقاله حمايت از بزه ديدگی جسمانی اطفال می باشد تلاش شد که تمرکز اصلی به قربانيان جرایم جسمانی و حمايت کيفری از آنان که کودکان هستند مبتنی گردید، بزه ديدگی جسمانی اطفال به دو مرحله دوران اوليه رشد و مراحل ديگر رشد تقسيم می شود که به شرح ذيل می باشند: بزه ديده جسمانی اطفال در دوران اوليه رشد: الف - قلع دندان طفل: ايراد صدمه برای دندان های طفل به لحاظ وضع خاص آنها، وضع مقررات حمايتی ويژه ای ايجاد می نمايد. زیرا میزان آسیب پذيری طفل در اين گونه صدمه ها برخلاف اشخاص بزرگسال در زمان کوتاهی مشخص نمی شود. از آنجايی که قلع دندان های دائمی و شيری طفل از نظر میزان صدمه های وارده و هم چنين از حيث نوع حمايت فرق می کند از اين رو بر مبنای اين که اين نوع دندان طفل، شيری ياغير شيری باشد حمايت ويژه ای پيش بينی گردیده است. ب- از مصاديق ديگر خاص بزه ديدگی جسمی طفل در دوران اوليه رشد، قطع زبان کودک و زوال نطق وی می باشد. عمومات اصل تساوی حقوق اشخاص بيانگر اين هستند که قانونگذار برای قطع زبان طفل و بزرگسال مجازات مساوی قرار داده است، مع الوصف قانونگذار برای رفع ابهام اين احتمال که سخن نگفتن طفل ممکن است به آن اختصاص داده و بر آن تاکيد کرده است. بزه ديدگی جسمانی اطفال در مراحل ديگر رشد: بزه ديدگی جسمانی اطفال در مراحل ديگر رشد يعنی بالاتر از دوران جنینی و شيرخوارگی طی چهار قسمت که هر یک از آنها به صور ديگر منقسم می گردند. با اين توضيح که اطفال بزه ديده مورد بحث لزوماً اطفال غير شيرخوار نيستند و چه بسا اطفال شيرخوار نيز ممکن است قربانی اين گونه اعمال ارتكابی واقع شوند فلذا اختصاص دادن اطفال غير شيرخوار برای اين بحث

از باب تغليب بوده است. ۱ - بهره گیری از اطفال برای تکدی: متکدی عبارت از حاجت خواهی از همگان در ملاء عام، با زیر پا گذاشتن شئون اجتماعی و انسانی به منظور رفع نیاز مادی است. عنصر قانونی: با امعان نظر بر تاریخ حقوق ایران می توان ادعان داشت که در قوانین قبل از انقلاب، سوءاستفاده از اطفال برای تکدی تحت بزه مستقلی جرم انگاری نشده بلکه این پدیده تنها به عنوان « یکی از کیفیات مشدده برای جرم تکدی » محسوب می گردیده است. « هر کس طفل یا. . . را وسیله تکدی قرار دهد یا. . . به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد. » عنصر مادی: عنصر مادی ذکر شده در ماده ۷۱۳ مجازات تعزیرات را می توان تحت سه جزء ذیل برشمرد: ۱ - وسیله قرار دادن غیر رشید برای تکدی « استفاده از غیر رشید برای تکدی » ۲ - گماردن افرادی به تکدی. ۳ - وسیله قرار دادن طفل برای تکدی « استفاده از طفل تکدی ». عنصر معنوی این جرم سوءنیت عام است و سوءنیت عام هم برای تحقق این بزه، استفاده از اطفال برای تکدی است و قصد استیفا نامشروع « کسب مال از طریق اطفال » به عنوان سوءنیت خاص شرط تحقق این بزه نیست فلذا اگر به قصد کمک به مستمندان، والدین و سرپرستان قانونی اطفال یا اشخاص بیگانه ای، اطفال را برای تکدی گری مورد استفاده قرار دهند باز هم مشمول این ماده خواهند بود. از سال ۱۳۷۹ تاکنون بودجه های کلانی جهت اجرای طرح های مقطعی و ضربتی با متکدیان صرف شده است اما نه تنها نتیجه مطلوبی عاید مسئولان ذی ربط نشده، بلکه روز به روز دامنه فعالیت باندهای سازمان یافته و خطرناک در حاشیه این امر را گسترده تر کرده است. تمرکز بر طرح های جمع آوری و ساماندهی متکدیان به صورت برخورد های ضربتی سبب شده است تا همواره به جای علت، معلول در کانون توجه قرار گیرد و ریشه ها و همچنین ابعاد مخرب و گسترده و پیامدهای این آسیب و معضل اجتماعی پنهان و دور از نظر باقی بماند. ضعف سیستم تامین اجتماعی به خصوص در دهک های پایین درآمدی جامعه و شیوع فقر در حاشیه کلانشهر ها باعث شده است تا بسیاری از حاشیه نشینان برای تامین معاش به خیابان های شهرهای بزرگ روی آورند. بنا براین طرح های ضربتی برای جمع آوری این افراد از سطح



شهر با شیوه های تهاجمی نه تنها به حل موضوع کمکی نخواهد کرد بلکه ظلم و ستم مضاعفی خواهد بود که به این افراد تحمیل می شود. در فقدان محیط حامی کودکان کار، نگاه مجرمانه به این پدیده و دستگیری بسیاری از کودکان خیابان که در مرحله بعد به کودکان بزه تبدیل می شوند موجب بازتولید و ادامه این چرخه می شود، چرا که سیاست موثری برای حمایت از این کودکان که خود قربانی خشونت و بهره کشی هستند وجود ندارد. یکی از آسیب های اجتماعی که ارتباطی انکار ناپذیر و تنگاتنگ با موضوع تکدی گری دارد شیوع اعتیاد در میان متکدیان است که کودکان کار و خیابان نیز از گزند آن در امان نیستند. باید توجه داشت که ریشه تکدی گری صرفاً در عوامل اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه عوامل فرهنگی و اجتماعی بسیاری در این امر دخیل هستند. بنا به گفته مسوولان تنها چهار درصد متکدیان نیازمند واقعی هستند و ۹۶ درصد آنان «کلاش» بوده و از این طریق امرار معاش می کنند. ۳ - بهره گیری از نیروی کار اطفال: یکی دیگر از مصادیق شایع سوء استفاده از اطفال، استثمار اقتصادی آنان می باشد. در ایران نظر به ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۵ سال و با عنایت به جرم بودن استفاده از نیروی کار اطفال کم سن و سال، آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد. قانون کار نیز با نگاه خاص به کودکان، افراد زیر ۱۵ سال تمام را ممنوع از کار تعریف کرده است و کار در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال را با توجه به اعمال شرایطی در قالب مواد ۸۰ تا ۸۴ جایز دانسته بنابر این مواد، این اشخاص نه کودک هستند که از کار آنها جلوگیری شود و نه به مثابه ی دیگر بزرگسالان حق انجام هر نوع کاری را خواهند داشت بلکه آنها از رشد جسمی و فکری ناقص برخوردارند که کار آنها باید با وجود شرایطی پذیرفته گردد. صدا و سیما که عنصری پررنگ از نهاد اجتماعی به شمار می آید، می تواند با تدوین برنامه هایی اثر گذار بر تقبیح کار کودکان و شغل هایی کاذب از این قبیل موارد که مخالف با شرافت انسانی است و همچنین با تأکید بر ارزش های والای انسانی، فرهنگ سازی در جهت زدودن کودکان متکدی و کودکان خیابانی، داشته - از نمونه راه حل که در این باره می شود مثال زد این است که: آموزش و پرورش می تواند در دروس ارائه شده ی سالانه به بچه ها، با ارائه ی یک واحد درسی، مربوط به قوانین کار کودک و آگاهی آنان در حق و

حقوقشان، به آنها اطلاعات لازم داده شود. که در این نوع پیشگیری هدف اصلی هموار کردن مسیر در جلوگیری از بزه دیده واقع شدن کودکان، مخصوصا کودکان کار، در نظام حقوقی و قوانین کیفری می باشد که سعی شده با اعمال تدابیر و مقرراتی شدیدتر از دیگر مقررات کیفری، از بزه دیدگی آنها جلوگیری شود. ۴ - ترک انفاق طفل: نفقه طفل در اصطلاح حقوقی شامل چیزهایی است که طفل برای زندگی به آن احتیاج دارد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و اثاثیه داخل آن. جرم ترک انفاق طفل نیز همانند سایر جرایم خاص علیه اطفال، دارای عناصر قانونی و مادی و معنوی بوده و طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای آن در قوانین مصوبه مجازات تعیین گردیده و مقنن چنین ترک فعلی را جرم شناخته است. رکن قانونی: در حال حاضر ماده ۶۴۲ قانون مجازات تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رکن قانونی جرم ترک انفاق و حمایت از طفل در برابر این ترک فعل را مورد توجه قرار داده است. رکن مادی: در مورد جرم ترک انفاق طفل نیز هم چنانکه از عنوان آن مشخص است عنصر مادی آن، ترک فعل است در برابر تکلیف و وظیفه ای که مقنن و شارع برای فرد در نظر گرفته است. قانونگذار ایران جهت رفع ضرورت های زندگی طفل، وجوب نفقه وی را به ترتیب بر عهده پدر، جد پدری، مادر و جد و جده مادری و جده پدری « به نحو مذکور در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی » قرار داده است بدین معنی که این اشخاص را به نحو ترتب و به شرط داشتن استطاعت مالی ملزم به انفاق طفل کرده است. رکن معنوی: برای تحقق عنصر معنوی این جرم، تنها سوءنیت عام و آگاهی از مجرمانه بودن عمل کافی است و نیازی به احراز سوءنیت خاص در منفق نیست.



منابع و مأخذ

- ۱ - اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، تهران.
- ۲ - اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۶، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات میزان، تهران.
- ۳ - بهشتی، احمد، ۱۳۹۵، بهره‌گیری اطفال برای تکدی، انتشارات کانون، تهران.
- ۴ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۰، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۵ - حسینی، بیژن، ۱۳۹۷، بزه دیدگی کودکان کار، انتشارات افراز، تهران.
- ۶ - رامین راد، رضا، ۱۳۹۹، نگاهی به مسائل حقوقی کودکان کار، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۷ - رحیمی، شهرام، ۱۳۹۰، تکدی اطفال، انتشارات یونیسف، تهران.
- ۸ - زراعت، عباس، ۱۳۹۴، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۹ - شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۶، حقوق جزای عمومی، انتشارات ژوبین، تهران.
- ۱۰ - شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۸، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات ژوبین.
- ۱۱ - شکوهی فر، فاطمه، ۱۳۹۷، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات آرسا، تهران.
- ۱۲ - قاسم زاده، فاطمه، ۱۳۹۶، کنوانسیون حقوق کار از تدوین تا تحقق، انتشارات جنگل، تهران.
- ۱۳ - قدیانی، عباس، ۱۳۹۳، فرهنگ اصطلاحات حقوق جزا، موسسه فرهنگی عابدزاده، تهران.
- ۱۴ - گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۶، حقوق جزای عمومی، انتشارات دادگستر، تهران.
- ۱۵ - گودرزی، فرامرز، ۱۳۹۸، کودکان کار، انتشارات کانون، تهران. جابری، محسن ۱۲۹۲، حقایق درباره بهره‌گیری از نیروی کار اطفال، انتشارات کیهان، تهران.



- ۱۶- مدیر نیا، سیدجواد، ۱۳۹۵، حقوق کودک، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۷- مهرا، نسرين، ۱۳۹۴، حمایت های حقوقی و کیفری از اطفال در برابر بزه کاری در حقوق ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۸ - محسنی مرتضی، ۱۳۹۵، حقایق درباره بهره گیری از نیروی کار اطفال، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۱۹- معتمدی، غلامرضا، ۱۳۹۷، حقوق کار با تاکید بر افراد آسیب پذیر، انتشارات ققنوس، تهران.
- ۲۰ - مظفری، احمد، ۱۳۹۸، جرم شناختی کودکان کار، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۱ - مهربانی، علی، ۱۳۹۵، بررسی بزه دیدگی اطفال کار، انتشارات خط سوم، تهران.
- ۲۲ - مهریزی، مهدی، ۱۳۹۷، حقوق کار اطفال، انتشارات گنج دانش، تهران.
- ۲۳ - مجیدی، فریبرز، ۱۳۹۵، ترک انفاق، انتشارات ثبت احوال، تهران.
- ۲۴ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۷، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۲۵ - نقیب زاده، عبدالحسین، ۱۳۹۰، ترک انفاق اطفال، انتشارات طه‌پوری، تهران.
- ۲۶ - نوری، رضا، ۱۳۹۷، بزه دیده شناسی کودکان کار، انتشارات میزان، تهران.